

حیات وحش ایران



حیات وحش میراث پارسیان
PERSIAN WILDLIFE
HERITAGE FOUNDATION

خبرنامه موسسه حیات وحش میراث پارسیان

سال چهارم ■ شماره ۹ ■ بهار و تابستان ۱۳۹۳

- مشارکت مردمی در حفاظت از قوچ و میش لارستان
- گفت و گو با هماهنگ کننده ملی SGP در ایران
- احیا زیستگاه‌های علی آباد چهل گزی با مدیریت مشارکتی
- مشارکت جوامع محلی در حفاظت از حیات وحش
- حفاظت مردمی در کوه کلمرز
- بررسی تعارض انسان و گوشتخواران در استان هرمزگان
- رویدادهای خبری

- مشارکت موسسه حیات وحش میراث پارسیان در برنامه روز ملی یوزپلنگ آسیایی
- بازی یافت؛ بازی‌های بازیافتی
- آغاز همکاری موسسه حیات وحش میراث پارسیان و نشر موسیقی هرمس



Email: masi.safaei@yahoo.com

برنام ایزدکما

خبرنامه سردسیر

مدیریت مشارکتی، گزینه برتر

هر وقت سخن از ورود بخش خصوصی به مقوله "مشارکت در حفاظت" چه در مناطق آزاد و چه در مناطق تحت مدیریت سازمان به میان می آید، سازمان دژی می شود غیرقابل نفوذ؛ چرا که بی شک در وهله نخست ذهن تصمیم سازان و تصمیم گیران مملو از تهدیدات و چالش ها است و از این رو تمام راه ها و بیراه های مخاطرات احتمالی و روش های جلوگیری از آنها، در صدها و بلکه هزارها نفر ساعت کار، مورد تجسس و بررسی قرار می گیرد و در نهایت هم بهترین دستاورد این هم اندیشی ها، پاک کردن صورت مساله است. درست مثل همان آدمی که پیش خیاط رفت برای دوختن کت و شروع کرد به توصیه و اخطار به خیاط که مراقب باش آستینش کوتاه نشود و قدش بلند نباشد و یقه اش جنین نشود و لذا همین طور برمی شمرد و صدایش هم بالاتر می رفت و در نهایت در سکوت خیاط، پارچه اش را پس گرفت و گفت اصلا نمی خواهم برایم کت بدوزی.

حالا داستان ورود نیرو و سرمایه بخش خصوصی در حفاظت طبیعت و البته بهره برداری پایدار از مناطق هم تا کنون همین روال را طی کرده است. از احتمال غصب زمین های واگذاری با قصد تغییر کاربری آنها تا امکان قاچاق گونه و تخلف نیروهای به کار گرفته شده در حفاظت و هزار و یک سوظن دیگر در صورت واگذاری یا حتا مشارکت مستقیم مردم در امر حفاظت. متاسفانه، دریغ از ذره ای اعتماد به مردمی که مالکان واقعی این آب و خاکند و بی توجه به این که بدون یاری آنها و با به جریان انداختن سیاست های انفعالی و شک ورزانه، بر شیب از دست دادن ها هر روز افزوده خواهد شد. بر هیچ کس پوشیده نیست که سازمان حفاظت محیط زیست با توجه به توان کنونی اش، هم در حوزه نیروی اجرایی و هم امکانات فیزیکی، حتا حفاظت از سه دهم مناطق تحت مدیریت سازمان را هم کفایت نمی کند چه رسد به مناطق آزاد. جالب است بدانید که در حال حاضر حدود ۱۷ میلیون هکتار از اراضی کشور با عناوین مختلف پارک ملی، پناهگاه حیات وحش، منطقه حفاظت شده و اثر طبیعی ملی، تحت مدیریت سازمان است که برای حفاظت از تمام این عرصه ها تنها ۲۳۰۰ محیط بان در اختیار سازمان قرار دارد. اگر حتا استاندارد سرانه حفاظتی هر محیط بان را با توجه به تعاریف جدید و شرایط توپوگرافی و اقلیمی به طور متوسط به جای هزار هکتار، ۲ هزار هکتار هم در نظر بگیریم، یعنی تنها ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار هکتار در حال حاضر توسط محیط بانان حفاظت می شود، و آن هم با فرض امکانات ایده آلی که البته وجود ندارد. با این اوصاف در حال حاضر تنها ۲۷٪ از اراضی تحت مدیریت، کنترل می شود و در واقع تا رسیدن به شرایط استاندارد به لحاظ نیروی انسانی ۶۲۰۰ نفر محیط بان کم داریم. واضح است که شرایط حاکم هم اجازه جذب نیرو و ارتقا وضعیت حفاظتی مناطق را نمی دهد. حال با وجود کمبود نیرو و امکانات از یک سو و سیر قهقراپی وضعیت زیستگاه ها و حیات وحش کشور از سوی دیگر، آیا بی توجهی به پتانسیل موجود در بخش خصوصی، آن هم صرفا به سبب گمانی که به مشکلات ناآزموده آتی می رود و عدم تسلط بر روال معمول بهره گیری از این موجودی ها، غیر منطقی نیست؟ البته به تازگی با ورود دیدگاه های مدیریتی جدید در مراجع تصمیم گیرنده، زمزمه هایی از به جریان افتادن ساز و کارهایی به منظور ورود جوامع محلی البته در کنار ورود سرمایه های بخش خصوصی به ویژه در زیستگاه های آزاد به گوش می رسد، که این خود نشان از احتمال قریب به یقین باز شدن درهای مهر و موم شده بر روی طرح های مشارکتی ای دارد که در حال حاضر تاثیر گذارترین محور در صعود یا نزول روند فعلی وضعیت زیستگاه های حیات وحش کشورند.

معصومه صفایی

موسسه حیات وحش میراث پارسیان (PWHF) در سال ۱۳۸۷ برای کمک به حفظ تنوع زیستی ایران تاسیس شد. این موسسه غیردولتی و غیرانتفاعی است و به صورت خیریه اداره می شود. موسسه حمایت از حیات وحش میراث پارسیان، همه فعالیت های خود را با هماهنگی سازمان حفاظت محیط زیست ایران و زیر نظر یک هیات امنای معتبر انجام می دهد. هیات امنای اهداف را تعیین و تصویب می کند و می کوشد تا منابع مالی لازم برای موفقیت این اهداف تامین شود. این هیات همچنین بر اجرای طرح ها و بودجه سالانه، نظارت دقیق دارد. پروژه های موسسه توسط هیات مدیره طراحی و هدایت می شوند و مدیرعامل اجرای آنها را مدیریت می کند. هیات مدیره ترکیبی است از مدیران حیات وحش، استنادان دانشگاه و دست اندرکاران حفاظت با سالها تجربه مرتبط با حیات وحش ایران. پژوهش های علمی توسط گروهی از پژوهشگران داوطلب صورت می گیرد که اکثرا از متخصصان علوم محیط زیست و مرتبط با دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی هستند.

مدیر مسوول: افشین زارعی

سردبیر: معصومه صفایی

هیات علمی و تخصصی:

مهیندخت دهدشتیان، هومن جوکار،

کاووس سید امامی

مدیر هنری: محمدرضا محمدی

مدیر امور اجرایی و ترجمه:

آبنوس صادقی

آتلیه گرافیک: رضا اسدی

نشانی دفتر خبرنامه:

تهران، خیابان کریم خان زند،

پلاک ۹۹، واحد ۲

کدپستی: ۸۶۳۴۱-۱۵۸۵۶

تلفن: ۲۰-۸۸۳۱۹۲۱۷-۸۸۳۱۹۲۱۰ (۰۲۱)

نمابر: ۸۸۳۱۹۲۰۵ (۰۲۱)

info@persianwildlife.org

www.persianwildlife.org

www.persianwildlife.com

روی جلد:

عقیل چمن پرا، از روستاهای اطراف جناح، زیستگاه

قوچ لارستان، در عکسی از سپیده کاشانی

اهداف خبرنامه حیات وحش ایران

- گزارش فعالیت های حفاظتی و مطالعات مربوط به حفاظت حیات وحش که توسط موسسه حیات وحش میراث پارسیان یا با همکاری موسسه ها و گروه های زیست محیطی دیگر صورت گرفته است.
- اطلاع رسانی درباره عمده ترین فعالیت های حفاظت از حیات وحش در ایران و جهان
- افزایش آگاهی های زیست محیطی درباره ی حفاظت از حیات وحش
- انتشار اطلاعات برای بهبود مدیریت مناطق حفاظت شده و مدیریت حیات وحش در ایران
- فراهم کردن فضا برای پژوهشگران و دست اندرکاران محیط زیست طبیعی کشور تا دستاوردهای علمی خود را ارایه دهند و تجربیات میدانی خود را مبادله کنند.

مشارکت مردمی در حفاظت از قوچ و میش لارستان

سام رجیبی

مؤسسه‌ی حیات وحش میراث پارسیان

تلاش می‌کنند. در این راه، این افراد و گروه‌های علاقه‌مند، بیش از هر چیز نیازمند حمایت و همفکری گروه‌های حامی محیط زیست هستند، چون از طرفی هیچ کسی نمی‌تواند به اندازه‌ی یک گروه محلی در منطقه تأثیرگذار باشد و از سوی دیگر، این گروه‌ها به ندرت به اطلاعات علمی و فنون حفاظتی مدرن دسترسی دارند. در بعضی از مواقع نیز این گروه‌ها نیازمند کمک مالی برای کارهای اجرایی مانند احداث و نگهداری آبشخور و گشتزنی در منطقه هستند. در همه‌ی این گونه مسایل، فعالان محلی می‌توانند از همکاری و کمک‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و فعال در عرصه‌ی محیط‌زیست بهره‌گیرند.

مؤسسه‌ی حیات وحش میراث پارسیان در تابستان ۱۳۹۳ با صندوق حیات وحش هرمزگان در تعمیر و نگهداری آبشخورهای زیست‌گاه قوچ و میش لارستان در حوزه‌ی بستک و نیز سایر مسایل مربوط به حفاظت گونه‌های منطقه و به ویژه قوچ لارستان همکاری‌های مالی و تخصصی داشت. از جمله اقدامات صورت گرفته در راستای این همکاری بازسازی، پاک‌سازی، لای‌روبی و نگهداری از ۱۳ عدد از آبشخورهای طبیعی و دست‌ساخت در زیست‌گاه‌های حیات وحش در منطقه‌ی لاوردین در حوزه‌ی بستک بود که به همت کارشناسان صندوق حیات وحش هرمزگان و به همراه مردم محلی انجام شد.

ما امیدواریم همراه با صندوق حیات وحش هرمزگان و به کمک و با مشارکت جوامع محلی در کنار سایر فعالیت‌های اجتماعی و حفاظتی که در منطقه انجام می‌دهیم بتوانیم در حفاظت از قوچ و میش لارستان و سایر گونه‌ها و زیستگاه‌های منطقه گام‌های استواری برداریم.

با ادامه روند خشکسالی، تشدید کم‌آبی در فصول گرم و در کنار آن شکار غیرمجاز، از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده‌ی جمعیت حیات وحش از جمله گوسفند وحشی لارستان در زیست‌گاه‌های آن هستند.

مشارکت مردم محلی در حفاظت و حمایت از قوچ لارستان در زیستگاه‌های این گونه به ویژه در استان هرمزگان قدمتی دیرینه دارد، و حتا در بسیاری از روستاهای اطراف زیستگاه قوچ و میش لارستان آبشخورهایی برای حیات وحش احداث و نگهداری می‌کرده‌اند. در این منطقه علاقه‌مندی و تعصب جوامع محلی نسبت به حیات وحش مناطق همجوارشان همیشه بازویی توانمند برای حفاظت بهتر از حیات وحش بوده است. علاقه‌مندان ضمن همکاری با اداره‌ی محیط زیست شهرستان هایشان و اطلاع‌رسانی در خصوص ورود شکارچیان غیرمجاز به منطقه حتی در برخی موارد با به خطر انداختن جان خود جلوی متخلفان را می‌گرفتند. ولی متأسفانه در سال‌های اخیر با وجود فشار خشکسالی مشکلات مالی و اجتماعی سبب آن شده که اولویت این گونه اقدامات برای مردم محلی کم‌تر شود و در نتیجه حیات وحش برای دسترسی به آب به مناطقی که در معرض تهدید شکارچیان غیرمجاز است بروند و یا متخلفان بدون مزاحمت وارد زیست‌گاه شوند. با این وجود، هنوز عده‌ای از مردم منطقه به حیوانات وحشی کمک می‌کنند و حتی نشانه‌هایی از شکل‌گیری برخی تحرکات محیط‌زیستی دیده می‌شود. به عنوان مثال، به درخواست خود مردم روستاهای «کوگرد» و «هرنگ»، کارگاهی با موضوع حیات وحش و محیط زیست برگزار شده است. ضمن این که افراد بانفوذ در جوامع اطراف برای حمایت از حیات وحش

پس از لایروبی چشمه در منطقه لاوردین، عکس از حسن پیشروی

گفت‌وگو با لاله دارایی هماهنگ‌کننده ملی SGP در ایران

تجربه یک دهه کار با پروژه‌های حفاظتی - مشارکتی

شیدا عشایری

موسسه‌ی حیات وحش میراث پارسیان

SGP در ایران برمی‌گردیم می‌بینیم که در واقع SGP خودش مانند پروژه‌های مشارکتی کار را آغاز کرده، تغییراتی در خود به وجود آورده و به شکل امروزی درآمده است.

تعریف شما (SGP) از مشارکت و رویکرد مشارکتی چیست؟

امروز از بحث قرق‌های بومی، مدیریت بخش خصوصی تا مشارکت جوامع محلی و حتی بخش دولتی همه به نوعی در بحث مدیریت مشارکتی می‌گنجد و در این حوزه مطرح می‌شوند. اما اگر بخواهیم به طور ساده و خلاصه رویکرد مشارکتی در حفاظت را شرح دهیم، می‌توانیم بگوییم که تمام برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌هایی که انجام می‌دهیم تا جوامع بومی در مدیریت منابع و مناطقی که در آن زندگی می‌کنند مشارکت داشته باشند با رویکرد مشارکتی انجام می‌شوند. از دیدگاه ما جوامع محلی باید در مدیریت مناطقتان مشارکت داشته باشند. حال اگر لازم باشد باید برای این مشارکت توانشان را افزایش دهیم و آن‌ها را تجهیز کنیم.

در پروژه‌هایی که رویکرد مشارکتی، آموزش و توانمندسازی انجام می‌شوند بنا به تجربه شما در برنامه‌ریزی برای این فعالیت‌ها باید چه چیزهایی را مورد توجه قرار داد تا این اقدامات تاثیر و استمرار بیشتری داشته باشند؟

برای مثال اگر بخواهیم درباره مساله آموزش صحبت کنیم باید بگوییم که به نظر من آموزش صرف اثر بخشی و کارایی چندانی ندارد. آموزش باید ماهیت گروهی و ترویجی داشته باشد. به شکلی که برای مثال از درون آن گروهی شکل بگیرد که علاقمند باشد کاری که آغاز شده را دنبال کند و فراتر از آن آموزش اولیه ببرد. آموزش و توانمندسازی جوامع محلی نیازمند انعطاف است. نمی‌توان بدون شناخت کافی از نیازهای جامعه برای آن برنامه‌ی آموزشی و توانمندسازی تدوین

از آنجایی که این شماره از خبرنامه حیات وحش ایران به رویکرد مشارکتی در حفاظت اختصاص داده شده است و بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد ایرانی فعال در این حوزه برای اولین بار توسط SGP با پروژه‌هایی با رویکرد مشارکتی آشنا شدند، با سرکار خانم دارایی هماهنگ‌کننده ملی دفتر برنامه کمک‌های کوچک (SGP) تسهیلات محیط زیست جهانی (GEF) برنامه عمران سازمان ملل متحد (UNDP) درباره رویکرد مشارکتی و تجربیات ایشان از بیش از یک دهه کار با پروژه‌هایی از این دست صحبت کردیم. ایران پنجاه و چهارمین کشوری است که به SGP پیوسته است. امروز SGP در بیش از صد و بیست کشور جهان در حال فعالیت است.

SGP چگونه کار خود را در ایران آغاز و اولین پروژه‌های حفاظت با رویکرد مشارکتی را چگونه تعریف کرد؟

واقعیت این است که در سال ۲۰۰۱ که SGP در ایران شروع به کار کرد، هیچ ادبیات مشارکتی در کشور هنوز شکل نگرفته بود. غیر از یک یا دو پروژه که با رویکرد مشابهی در کشور انجام شده بود چیزی برای آموزش ما و یا الگو برداری وجود نداشت. به این معنا که از ابتدا دانش کافی و نیروی توانمند برای انجام کارها وجود نداشت. از این رو، با گذشت زمان بیشتر و بیشتر تجربه کردیم، آموختیم و شکل گرفتیم. بدیهی است که تا SGP ایران به شکل امروزی دربیاید و بتواند بر روی موضوعات و مناطق گوناگون کار کند، مشکلات و محدودیت‌های بسیاری را پشت سر گذاشت. شاید برایتان جالب باشد بدانی که SGP در بسیاری از کشورها فقط در یک منطقه و برای مثال صرفاً در اطراف یک دریاچه کار می‌کند. ما در ایران بر روی ۳ منطقه اصلی خلیج فارس، خزر و زاگرس کار می‌کنیم و توانستیم منطقه توران را نیز به این لیست اضافه کنیم. وقتی به تاریخچه



کرد و تصور کرد که این آموزش‌ها آن‌ها را مجهز خواهد کرد تا دقیقاً آن کاری را که ما برای آن برنامه‌ریزی کرده‌ایم انجام دهند. ممکن است در بسیاری از موارد پس از آن که جامعه نیاز واقعی آموزشی یا توانمندسازی خود را به ما نشان دهد، ما آن را نپسندیم چرا که در برنامه ریزی‌های اولیه آن را در نظر نگرفته بودیم. لازمه این پذیرش انعطاف داشتن در برنامه ریزی و اجراست. در بسیاری از مواقع می‌بینیم که در برنامه‌های مشارکتی لیستی تهیه می‌کنند از این که برای مثال این جامعه باید حسابداری، بازاریابی و یا مهارت‌هایی از این دست بیاموزد تا توانمند شود، غافل از این که ممکن است این مهارت‌ها اصلاً نیاز آن جامعه نباشند. این طرز فکر و کار صرفاً منابع موجود را به هدر می‌دهد و ما را از گوش دادن و دریافتن نیاز واقعی جوامع بومی دور می‌کند. انعطاف در برنامه آموزشی و توانمندسازی به این معنا است که بعد از شناخت جامعه و پیشبرد کار، آمادگی فراهم کردن آن تکه گم شده و یا مورد نیاز جامعه را که به یکباره می‌تواند به حرکت جامعه کمک کند داشته باشیم.

در پروژه‌های مشارکتی باید بدانیم که آنچه روی کاغذ می‌نویسیم با آنچه اتفاق می‌افتد تفاوت دارد و توانمند شدن به شکل‌های مختلفی اتفاق می‌افتد. برای مثال تانه بافی (پارچه بافی دستی) در روستای قلعه بالا یکی از زیرمجموعه‌های توران و یوزپلنگ که از پیش برای احیای آن برنامه‌ای تنظیم نشده بود، استعاره خوبی است از آنچه باید اتفاق بیافتد تا از درون خود جامعه ارزشی احیا شود و به جامعه وحدت و هویت بدهد. تکه‌های دستگاه تانه بافی از تک تک خانه‌های اهالی روستا جمع شد و در نهایت آن تکه گم شده که مربی برای آموزش تانه بافی بود از خارج روستا و از شاهرود به روستا دعوت شد. آموزش و توانمندسازی باید همواره متناسب با فرهنگ و نیاز جامعه هدف ما صورت بگیرد. **آیا پروژه‌های SGP بعد از اتمام نیز ارزیابی می‌شوند تا از میزان موفقیت و پایداری آن‌ها بعد از اتمام پروژه اطلاعاتی به دست بیاید؟**

همان‌طور که گفته شد ماهیت پروژه‌های مشارکتی با پروژه‌های دیگر متفاوت است و از همین روست که پیش یا ارزیابی پروژه‌های حفاظتی با رویکرد مشارکتی نمی‌تواند توسط فرد یا گروه بیرونی انجام بگیرد که برای چند ساعت در منطقه حضور پیدا می‌کنند. در این پروژه‌ها این تسهیلاتگران و مسئولین پروژه‌ها هستند که باید همواره در حال مشاهده، پایش و ثبت فرآیندها و هر آنچه اتفاق می‌افتد باشند. آن‌ها باید همواره از این تغییرات بیاموزند و در صورت نیاز خودشان تغییراتی در روند انجام فعالیت‌ها ایجاد کنند. ما در هر پروژه اصولی داریم که این اصول وقتی با فعالیت‌ها و حضور ما در منطقه به جامعه منتقل می‌شوند موجب بروز اتفاقات و تغییراتی می‌شوند، ما باید به طور مستمر و پیوسته این تغییرات را پایش کنیم. این پایش باید به صورت گروهی و مشارکتی انجام بگیرد. گروه‌های مختلف باید در مسیر این فعالیت‌ها به طور مرتب با یکدیگر روبرو شوند و با هم تعامل داشته باشند. در این تعامل جمعی است که می‌توان مسیر را تشخیص داد و در صورت نیاز برنامه‌ریزی ابتدایی را تصحیح کرد. تمام این فرآیند که هم تسهیلاتگران و هم جامعه محلی در آن شرکت دارند نیاز به ثبت شدن دارد، به

شکلی که بتوان درحین کار و در آینده از آن استفاده کرد و آموخت.

در بسیاری از پروژه‌های حفاظت و توسعه از رویکرد مشارکتی صحبت می‌شود در حالی که در بسیاری از موارد فعالیت‌هایی که انجام می‌گیرد با تعریف مشارکت فاصله و تفاوت دارد. به نظر شما مشارکت چه چیزهایی نیست؟

مشارکت این نیست که در هر کاری که انجام می‌دهیم یک سازمان مردم نهاد عضوی از تیم ما باشد. مشارکت همچنین مساوی با این نیست که عکس چند نفر از مردم بومی منطقه‌ای که در آن پروژه‌ای تعریف شده



محصولات مربوط به پروژه حفاظت از لاک‌پشت پوزه‌عقابی، روستای شیب‌دراز، جزیره قشم. عکس از SGP

از آنجایی که روش‌های مدیریت از بالا به پایین متعارف در عمل در بهبود مشکلات ناموفق بوده و در مواردی باعث به وجود آمدن مشکلات محیط زیستی بیشتر شده است، روش‌های اصلاحی دیگری به شرح زیر تعریف شده‌اند: شناسایی مشکلات به روش مشارکتی، برنامه‌ریزی برای اقدامات و فعالیت‌ها به روش مشارکتی، طراحی پروژه به روش مشارکتی، انجام اقدام توسط اجتماعات محلی، مستند سازی، ثبت وقایع، تحلیل داده‌ها، مشاهده مشارکتی و پایش.

ضمیمه کار کنیم. این‌ها همه ابزارهایی هستند برای این که بتوانیم توجه جامعه را به فعالیت‌هایمان جلب کنیم و کمک مالی بیشتری بگیریم. حال اگر فعالیت‌هایی که در خود منطقه انجام می‌شود بتواند احساس تعلق و حتی مالکیت نسبت به اتفاقات را در جامعه محلی زنده کند، می‌توانیم کمک‌های مالی را در بستری درست مصرف کنیم. فعالیت‌هایی که برای آگاه‌سازی عمومی یا جمع‌آوری کمک مالی برای پروژه‌ها انجام می‌گیرد نباید از کار در خود منطقه فاصله بگیرد، چرا که پاره شدن این زنجیره باعث از بین رفتن اعتماد جامعه محلی و احساس عدم تعلق به پروژه می‌شود. تخلفات، تعارضات و مشکلات در مناطق عمدتاً با جوامع محلی در ارتباط است و بنابراین برنامه‌ریزان و مجریان فعالیت‌ها می‌توانند خود جوامع محلی باشند. چگونه در بسیاری از خروجی‌های پروژه‌های مشارکتی نام و هویت جامعه محلی حذف می‌شود؟ این نام یا لوگوی آن‌ها نیست که حائز اهمیت است، اهمیت در حفظ این زنجیره در طول مسیر فعالیت‌های ماست. احساس مالکیت و اعتماد که هر دو از اصول مشارکت‌اند باید در عمل به جوامع محلی منتقل شوند، اگر نه تمام اقدامات ما شکلی صرفاً

تبلیغاتی پیدا می‌کند.

نکته مهم دیگر در بحث مشارکت مساله قدرت است. قدرت متمرکز نمی‌تواند در پروژه‌های مشارکتی به پیشبرد کار کمک کند، قدرت باید دائماً در حال چرخش باشد. اگر پروژه‌ای ۵ سال در منطقه‌ای فعالیت کند و هنوز برنامه کاری‌اش در تهران تنظیم و تدوین شود، این پروژه در امر مشارکت موفق نبوده است. باید کاری کرد که لایه‌های توانمند شده خود در مدیریت پروژه‌ها شرکت کنند و قدرت در این لایه‌ها چرخش کند. در شروع کار ممکن است فرد یا لایه‌هایی از افراد توانمند وجود نداشته باشند تا این مشارکت شکل بگیرد، اما این عدم توانمندی و عدم کمال که در ابتدای تمام پروژه‌های مشارکتی مشاهده و تجربه می‌شود نیازمند صبر و حوصله تسهیلاتگران است. مهم این است که تمام افراد یک پروژه خود را در ترکیبی افقی در کنار یکدیگر ببینند، با هم تعامل کنند، از هم بیاموزند و چنان شبکه یا بنایی را بسازند که چنان درهم تنیده است که با افتادن یک یا چند آجر استحکام خود را از دست ندهد و همچنان به عملکرد خود ادامه دهد.

بعضی از پروژه‌هایی که برای حفاظت از زیستگاه با گونه با رویکرد مشارکتی انجام شده به شرح زیر است: **لاک پشت پوزه عقابی، یوزپلنگ، خرس سیاه، پلنگ، خرس قهوه‌ای، هوبره، لاک پشت فراتی، سمندر امپراتور، گاندو، فک خزری، اردک سر سفید، دلفین، قزل‌آلای خال قرمز، سنجاب ایرانی و برخی پرندگان مهاجر.**



مدیریت مشارکتی راهی برای احیای زیستگاه‌های علی آباد چهل گزی

محسن رضانی، آزاده جعفری

شرقی مهریز و در مجاورت روستاهای تنگ چنار و علی آباد چهل گزی واقع شده و از شرایط طبیعی بسیار مناسبی برای حیات گونه‌های جانوری مختلفی نظیر پلنگ، آهو، کل و بز، قوچ و میش، کفتار، کاراکال، هوبره، زاغ بور، انواع پرندگان شکاری، کبک دری و کبک و تیهو برخوردار است. مساحتی بالغ بر ۱۲۰ هزار هکتار از منطقه مذکور جهت احداث قرق اختصاصی موافقت‌های اولیه را از اداره کل منابع طبیعی استان، سازمان گردشگری، سازمان صنایع و معادن و دیگر دستگاه‌های مسئول دریافت کرده است و در حال حاضر پرونده آن در سازمان حفاظت محیط زیست در انتظار ارسال به شورای عالی محیط زیست جهت تصویب محدوده قرق است.

ثبت تصویری از پلنگ با دوربین تله‌ای
خردیاری شده و کار گذاشته شده توسط
مردم محلی در منطقه چهل گزی



● نصب چند تابلوی شناسایی و راهنمای منطقه پیشنهادی قرق علی آباد در نقاط مختلف منطقه با نظارت اداره کل حفاظت محیط زیست استان.

● نصب سه مخزن آب زمینی و احداث دو دستگاه آب انبار و تعدادی آبشخور در نقاط مختلف منطقه جهت تامین آب مورد نیاز حیات وحش و انتقال مداوم آب با تانکر به مخازن نصب شده.

● نصب ده دستگاه دوربین تله‌ای در نقاط مختلف منطقه از جمله آبشخورهای احداث شده جهت ثبت تصاویر گونه‌های جانوری منطقه، که یکی از آنها در سال ۱۳۹۲ تصویری از یک قلاده پلنگ را ثبت کرده است.

● تامین، بازسازی و آماده سازی یک باب ساختمان مناسب در روستای تنگ چنار به عنوان واحد قرق بانی جهت انجام امور اداری و نیز استراحتگاه کارکنان قرق و ماموران محیط زیست منطقه.

● خرید چهار دستگاه موتورسیکلت، پنج دوربین چشمی و سه دوربین عکاسی برای ماموران قرق جهت ثبت وقایع و تصاویر حیات وحش و گشت و کنترل.

برای این اقدامات در طول چهار سال گذشته، بدون هرگونه کمک دولتی، بالغ بر ۲۵۰ میلیون تومان هزینه گردیده است. آنچه مهم است مشارکت چشمگیر و همه جانبه جامعه محلی در تحقق برنامه‌های پیش بینی شده بوده و امید است تداوم آن قرق علی آباد چهل گزی را در مجاورت منطقه حفاظت‌شده کالمند به سپری برای حفظ این زیستگاه ارزشمند یوزپلنگ آسیایی بدل سازد.

منطقه مورد نظر یکی از زیستگاه‌های آزاد استان یزد باتنوع قابل ملاحظه گونه‌های جانوری و گیاهی در ۳۵ کیلومتری جنوب

ایده حفاظت از زیستگاه‌های علی آباد چهل گزی حدود چهار سال قبل شکل گرفت و البته آن چه در این رهگذر بیش از هر اصل دیگری مورد توجه طراحان بود ضرورت موافقت و حمایت جوامع محلی و نیز آگاهی و حمایت مسئولان مدیران و مسئولان محلی و استانی از طرح مورد نظر بود. خوشبختانه در هر دو زمینه با اقداماتی که صورت گرفت، به موفقیت دست یافتیم. مردم محلی استقبال قابل توجهی به عمل آوردند و همین حمایت‌ها و همراهی‌ها سبب افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری و اقدامات اجرایی به شرح ذیل گردید:

● انجام مطالعات اولیه به منظور شناسایی کامل منطقه با بهره‌گیری از کارشناسان محیط زیست و محیط‌بانان، مطلعین محلی و شکارچیان قدیمی.

● تهیه طرح توجیهی کارشناسی حاوی اطلاعات فنی، اهداف، برنامه‌های اجرایی و نقشه‌های مربوطه و تعیین مختصات دقیق محدوده مورد نظر با نگاهی به قرق‌های اختصاصی موجود در سایر کشورها از جمله انگلستان.

● رایزنی با مسئولان محلی از جمله شورای روستای تنگ چنار، بخشداری محل و فرمانداری مهریز، استانداری یزد و نمایندگان استان و جلب حمایت آنها از طرح قرق و مشارکت جامعه محلی در حفاظت از آن.

● برگزاری جلسات متعدد با اهالی روستاهای منطقه و استخدام چهار نفر از جوانان فعال و خوشنام روستای تنگ چنار از سه سال پیش به عنوان قرق‌بان که تاکنون موفق به کشف چندین مورد تخلف و دستگیری ده‌ها نفر متخلف و ضبط چند قبضه سلاح غیرمجاز با همکاری محیط‌بانان منطقه گردیده‌اند.



محمود زاغ، همیار محیط زیست در منطقه کره سفید لارستان (زیستگاه قوچ و میش لارستان)، عکس از طاهر قدری‌زبان

مشارکت جوامع محلی در حفاظت از حیات وحش

شیدا عشایری

موسسه‌ی حیات وحش میراث پارسیان

به نفع هیچ کدام تمام نشده است. در این رویکرد اهداف فعالان حوزه حفاظت و توسعه به هم نزدیک می‌شوند و حفاظت از تنوع زیستی با فقرزدایی و توسعه پایدار ترکیب می‌شود.

رویکرد مذکور بر پایه این فرضیه بنا شده است که جوامع محلی انگیزه و علاقه‌ی بیشتری به بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی اطراف خود دارند تا دولت یا سازمان‌های خصوصی غیربومی و دور از این مناطق، و این جوامع محلی هستند که به علت درک و علاقه بیشتری که به حفاظت از منطقه دارند قادرند از طریق روشهای سنتی بومی خود یا روش‌های نوینی که از دانش بومی بهره‌مند شده است بهتر و کارآمدتر منابع طبیعی را مدیریت کنند. در این رویکرد به مدیریت از پایین به بالا، کمک گرفتن از دانش و تجربه بومیان، و درگیر کردن آن‌ها در فعالیت‌های حفاظتی و به اشتراک گذاشتن منافع حاصل از حفاظت از طبیعت بکر همسایه‌شان اهمیت فراوانی داده می‌شود.

مشارکت در حفاظت و به اشتراک گذاشتن منافع حاصل از آن به شیوه‌ها و اشکال مختلفی صورت می‌گیرد. برای نمونه این مشارکت می‌تواند در شکل پرداخت مالی مستقیم به مردم محلی، در اختیار قرار دادن امکان استفاده مدیریت شده از منابع طبیعی، یا سهمیه شکار برای فروش به سود کل اجتماع محلی انجام پذیرد. اشتغال‌زایی، ساخت مدرسه و چاه آب و سایر زیرساخت‌های اجتماعی مورد نیاز برای جامعه محلی نیز از اقدامات دیگری هستند که به شکل غیر مستقیم در پروژه‌های حفاظتی مردم‌بنیاد با هدف توسعه جوامع روستایی حاشیه نشین پارک‌ها و مناطق حفاظت شده صورت می‌گیرند.

امروز در بین فعالان حوزه حفاظت شناخت فزاینده‌ای از این واقعیت وجود دارد که مدیریت کارآمد منابع باید با دسترسی منصفانه به منابع طبیعی، تامین معیشت پایدار، و کاهش فقر از طریق فرایندی مشارکتی و توانمندسازانه صورت پذیرد. آنان می‌دانند که توجه به مسایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی مردم همجوار یا ساکن در مناطق حفاظت شده با موفقیت فعالیت‌های حفاظتی پروژه‌ها در هم تنیده شده است.

رویکرد مشارکتی راه حلی برآمده از تجربه و پژوهش در دو حوزه توسعه و حفاظت است که امروز به مسیر اصلی حفاظت در جهان تبدیل شده است. اما این به این معنا نیست که استفاده از این رویکرد به طور قطع ما را به نتایج مثبتی در هر دو حوزه خواهد رساند. موفقیت در پروژه‌های مردم‌بنیاد نیازمند پایش مستمر فعالیت‌ها و تطبیق آن‌ها با نیازها و توانایی‌های بومیان و همچنین ساختارهای جوامع محلی و مشاهده‌ی تغییرات و انعطاف کافی در برنامه ریزی و اجراست، به شکلی که برنامه و اهداف حفاظت و توسعه پایدار هیچ کدام فدای دیگری نشوند.

تعداد و وسعت مناطق حفاظت شده در جهان محک مرسومی است برای سنجش موفقیت انسان در حفاظت از تنوع زیستی. روش سنتی حفاظت از تنوع زیستی، که امروز به آن حفاظت انحصاری نیز می‌گویند، بر این باور بنا شده بود که برای حفظ مناطق طبیعی بکر زمین باید تا حد امکان انسان و فعالیت‌هایش را از آن دور نگه داشت. طی سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۶۰ میلادی حدود ۱۰۰۰ منطقه در سراسر جهان به طور رسمی به عنوان مناطق حفاظت شده شناسایی شده و به ثبت رسیدند.

طی همین سال‌ها و تا دهه‌ی ۸۰ میلادی هزاران نفر از ساکنان بومی این مناطق به اجبار از محل سکونتشان اخراج شدند و علاوه بر از دست دادن حق دسترسی خود به منابع طبیعی برای امر معاش، فرهنگ و سنت‌های منحصر به فرد خود را نیز که میراث قرن‌ها تعامل و همزیستی با طبیعت بود در خطر نابودی یافتند. اخراج بومیان مناطق بکر جهان هزاران پناهنده حفاظت (conservation refugees) بر جای گذاشت. این اقدام محافظان تنوع زیستی مورد انتقاد شدید سیاست‌گذاران توسعه و حامیان توانمندسازی اقشار کم درآمد قرار گرفت، چرا که متولیان توسعه به یک‌باره با پناهندگانی مواجه شده بودند که به دنبال آن جاکنده شدن از محیطی که بقیایشان به آن بستگی داشت، به شدت تضعیف شده و به طور جدی با فقر دست به گریبان بودند. انتقادات از عدم توجه محافظان تنوع زیستی به عواقب انسانی اقداماتشان، تا جایی پیش رفت که منتقدان آن را نوع جدیدی از استعمار نامیدند: «استعمار زیست محیطی».

به مرور زمان فعالان عرصه حفاظت متوجه شدند که گرچه فواید حفاظت از پارک‌های ملی و مناطق حفاظت شده جهانی است اما هزینه‌های این اقدام بر دوش بومیان این مناطق است. حفاظت انحصاری با رویکرد حصارکشی و جریمه (fences and fines) نه تنها از بُعد توسعه و نیازهای انسانی موفق نبود بلکه در سنجش اثربخشی آن از بُعد حفاظت از تنوع زیستی نیز موثر واقع نشد. زیرا با وجود این که بسیاری از جوامع محلی از داخل پارک‌ها اخراج شده بودند، کماکان بسیاری از مردمی که در مرزهای پارک‌ها یا با کمی فاصله از آن سکونت داشتند به کشاورزی، دامداری و شکار به صورت مخفیانه ادامه می‌دادند و به شکل غیر قانونی از منابع طبیعی تحت حفاظت استفاده و برداشت می‌کردند.

شکست روش حصارکشی و جریمه و همچنین توجه و تاکید روزافزون بین‌المللی به اهمیت کمک به رفاه مردم بومی مناطق حفاظت شده باعث شکل‌گیری روش جدیدی از حفاظت شد که به آن حفاظت مردم بنیاد (community based conservation) می‌گویند. در حفاظت مردم بنیاد هدف تلفیق دوباره زندگی مردم محلی با حفاظت از تنوع زیستی است، جبران فاصله‌ای که به تجربه

حفاظت مردمی در کوه کلمرز

سام رجعی

موسسه‌ی حیات وحش میراث پارسیان

کوه کلمرز از شهر کهنوج تا فاریاب در استان کرمان امتداد دارد. متأسفانه طی چند دهه‌ی گذشته این زیستگاه به شدت آسیب دیده است. حدود چهار سال از خرس سیاه آسیایی و پلنگ خبری در این منطقه نیست و جمعیت سم‌داران نیز به شدت کاهش یافته است. چند سالی است که گروهی به نام «انجمن دوست‌داران طبیعت کلمرز» به همت برادران کلمرزی تشکیل شده است. آن‌ها با تلاش فراوان، به ویژه با کار فرهنگی در میان مردم اطراف منطقه به حفاظت آن پرداخته‌اند و اکنون این کوه به یکی از امن‌ترین زیست‌گاه‌های آزاد استان کرمان تبدیل شده است، تا جایی که در اوایل تابستان ۹۳، خرس سیاه پس از سال‌ها به این کوه بازگشت. بزرگ‌ترین آرزوی عادل سالاری کلمرزی، یکی از این برادران که از خرس در منطقه فیلم گرفته است، بازگشت پلنگ به این کوه است. او می‌گوید: «پلنگ ابهت منطقه است.»

موسسه‌ی حیات وحش میراث پارسیان، با همکاری کانون محیط‌بان و حمایت مالی گروه صنعتی بارز، پنج کارگاه ترویج فرهنگ محیط زیستی در این شهرستان برگزار کرده است. در حاشیه‌ی این کارگاه‌ها، مصاحبه‌ای با منصور کلمرزی انجام شد که می‌خوانیم:

شما چگونه به فکر حفاظت از منطقه‌ی خود افتادید؟

سال‌ها بود که در شهرستان کهنوج، به دلایل متعددی از جمله وسعت زیاد شهرستان، شکار غیرمجاز و شکارکشی بسیار زیاد شده بود و اگر این روند به همین صورت ادامه می‌یافت مجبور بودیم که برای نسل‌های آینده تصویر مبهمی از طبیعت و گونه‌های جانوری و گیاهی بکشیم.

کار را از کجا آغاز کردید؟

ما در سال‌های ۱۳۸۲ و ۸۳ به دفعات به اداره محیط زیست شهرستان کهنوج مراجعه کردیم، اما متأسفانه از طرح‌مان برای حفاظت از منطقه استقبال نشد. اواخر سال ۱۳۹۰ بود که با گروهی از دوستان و با توکل به خدا و به صورت جدی کار را از مساجد و حسینیه‌های اطراف کوه کلمرز آغاز کردیم. در مناطق مختلف با برگزاری جلسات متعدد و صحبت پیرامون فواید حفظ محیط زیست اقدام به فرهنگ‌سازی و بهینه کردن فرهنگ زیست‌محیطی در میان مردم کردیم. در این راستا بزرگان و ریش‌سفیدان کمک فراوانی به ما کردند.

دیدگاه سایر مردم نسبت به کارتان چگونه بود؟

در ابتدا افراد انگشت‌شماری بودند که موافق طرح ما بودند اما جدیت و پشتکار و جلسات مداوم و متنوع دیدگاه آنان را نسبت به اهداف انجمن تغییر داد.

با مخالفان چه می‌کردید؟ مخالفتشان تا چه حدی بود؟

از آن‌جایی که بومی منطقه بودیم و شناخت کاملی از مردم منطقه داشتیم با مخالفان صحبت چهره‌به‌چهره کردیم. اکثر آن‌ها را به خانه‌های خود دعوت کردیم و در این جلسات که با هم داشتیم آن‌ها را از اهداف خداپسندانه و عام‌المنفعه‌ی گروه مطلع کردیم. بعضی تغییر عقیده دادند و به گروه پیوستند و خود از حامیان و مبلغان گروه می‌شدند. بعضی دیگر هم که مخالفتشان خیلی شدید و سرسخت بود وقتی جدیت گروه را می‌دیدند به ظاهر هم که شده دست از مخالفت برمی‌داشتند.

چه کمکی به شما کردند؟

از نظر معنوی خیلی‌ها طرح را خوب می‌دانستند و ما را تشویق به اجرای آن می‌کردند اما از نظر مالی و نقدی تا امروز هیچ کمکی، هر چند کوچک، از هیچ نهاد یا شخصی دریافت نکرده‌ایم و همه‌ی هزینه‌های انجمن توسط اعضای آن تأمین شده است.

چگونه موافقت مردم را به دست می‌آوردید؟

با درگیر کردن خود مردم در اجرای طرح و شفاف‌سازی پیرامون اهداف انجمن و تشریح اهمیت محیط زیست، کم‌کم موافقت آن‌ها را نیز به دست آوردیم. البته افراد کمی هستند که به علت منافع شخصی‌شان هنوز مخالف اهداف انجمن هستند.

برنامه‌ی بعدی شما چیست؟

با توجه به پتانسیل بالای منطقه ایجاد بستری امن برای حیات وحش و کار پژوهشی بر روی گونه‌های نادر جانوری منطقه است.

برای ادامه‌ی کار به چه چیز نیاز دارید؟

ما نباید فقط شعار بدهیم، بلکه نیاز به عمل هم داریم. لذا حمایت قاطع و بی‌دریغ مسؤولان و کلیه کسانی که به نقش و اهمیت محیط زیست و منابع طبیعی در زندگی روزمره واقف هستند برای عملی شدن برنامه‌های انجمن ضروری است.

مهم‌ترین دست‌آورد شما چیست؟

به لحاظ فرهنگی بیشتر مردم منطقه به نقش و اهمیت محیط زیست پی برده‌اند، چرا که با ما همکاری لازم را دارند. در بحث فیزیکی و منطقه‌ای هم کوه‌های کلمرز را به امن‌ترین منطقه برای گونه‌های جانوری تبدیل کرده‌ایم و برای این ادعا همین بس که خرس سیاه که از جمله حیوانات نادر و در حال انقراض است، بعد از حدود چهار سال دوباره به این زیستگاه بازگشته است. این جای بسی شکرگزاری دارد. این روزها گله‌های کل و بز وحشی و قوچ و میش در جای‌جای کوه دیده می‌شوند.

بزرگ‌ترین آرزوی‌تان برای منطقه‌ی خود چیست؟

همه‌ی مردم به نقش و اهمیت حفاظت از حیات وحش پی ببرند و با تلاش مضاعف زبان‌های واردشده را جبران کنند تا در شهرستان کهنوج هم منطقه‌ای حفاظت‌شده برای گونه‌های جانوری داشته باشیم. در پایان جا دارد از مسؤولان اداره محیط زیست کهنوج به خاطر زحمات‌شان تشکر و قدردانی کنیم.



بررسی مقدماتی وضعیت تعارض انسان و گوشتخواران در استان هرمزگان



پلنگ کشته شده در شهرستان بستک به علت حمله به دام

حسن پیشوایی

صندوق حیات وحش هرمزگان

اولویت را به عنوان یک فعالیت اجرایی برای حفاظت از این گونه‌ها دارد، صندوق حیات وحش هرمزگان با همکاری اداره کل حفاظت محیط زیست هرمزگان مصمم شده است تا با تعریف و اجرای سیستم محلی بیمه دام و محصولات کشاورزی بر مبنای مشارکت جامعه محلی (community-based livestock insurance) گامی موثر در راستای حفاظت از گونه‌های در خطر انقراض بر دارد.

این صندوق به صورت تعاونی ایجاد می‌شود و با عضویت تمامی دامداران و نخل‌داران در این صندوق و با پرداخت خسارت (بر اساس فرایند و اساسنامه صندوق) سعی دارد بین مردم محلی نسبت به طبیعت و سازمان‌های حافظ منابع طبیعی اعتمادسازی کند.

کاهش تعارض با پرداخت خسارت، تغییر نگرش منفی نسبت به گوشتخواران و کسب اطلاع از اندازه تعارض و مناطق حساس از اهداف کوتاه مدت و افزایش طعمه طبیعی گوشتخواران در منطقه، اصلاح سیستم‌های دامداری و افزایش همزیستی میان انسان و گوشتخواران از اهداف بلند مدت این صندوق است.

استان هرمزگان، با مساحت ۷۱۰۰۰ کیلومتر مربع (۴ درصد مساحت ایران)، غربی‌ترین پراکندگی جهانی خرس سیاه و یکی از بهترین زیستگاه‌های پلنگ ایرانی در جنوب کشور محسوب می‌شود. اما تعارض میان انسان و این دو گونه گوشتخوار باعث کاهش جمعیت این گونه‌ها و در بعضی مناطق سبب انقراض محلی آنها شده است.

نتایج بررسی‌های مقدماتی نشان می‌دهد که تعارض انسان و خرس در تمامی گستره پراکندگی خرس سیاه در استان هرمزگان وجود دارد، ولی در شهرستان رودان بیشتر از سایر مناطق است. همچنین تعارض انسان و پلنگ نیز در سراسر مناطق کوهستانی استان گزارش شده است. اما در مناطق شرقی استان در شهرستان‌های جاسک و بشاگرد بسیار فراوان‌تر از مناطق غربی استان دیده شده است. شکار غیرمجاز و بیش از توان مناطق که منجر به کاهش شدید طعمه برای گوشتخواران شده، تخریب زیستگاه‌ها و روش‌های ابتدایی دامداری و کشاورزی از عمده‌ترین علت‌های وجود این گونه تعارض‌ها است.

خرس سیاه تلف شده به علت تصادف با ماشین در شهرستان رودان، عکس از حسن پیشوایی



تعارض انسان و حیات وحش به هرگونه کنشی میان انسان و حیات وحش گفته می‌شود که می‌تواند تأثیر سوء بر زندگی انسان و حیات وحش داشته باشد. در این رابطه، هم انسان و هم حیات وحش می‌توانند دچار آسیب و ضرر شوند.

نتایج به دست آمده از تحقیقات نشان از تعارض شدید پلنگ و خرس با انسان خصوصاً در شرق هرمزگان دارد. علت اصلی این تعارض نیز کاهش یا انقراض محلی طعمه‌های طبیعی مانند کل و بز و قوچ و میش به علت شکار غیرمجاز و سیستم غلط دامداری (دام‌رها بدون چوپان و سگ گله) در منطقه است. شکار غیر مجاز باعث بر هم خوردن چرخه حیات در منطقه شده و کمبود شدید طعمه، نزدیکی گوشتخواران به خصوص پلنگ به روستاها و استفاده از دام‌های اهلی را در پی داشته است. مردم محلی نیز که دام برای آنها اهمیت مالی زیادی دارد، به جای اصلاح سیستم دامداری، ساده‌ترین راهکار را که همان حذف گوشتخوار است انتخاب کرده‌اند و با روش‌هایی مانند تله پاگیر یا طعمه مسموم سعی در حذف جمعیت گوشتخواران دارند.

بیمه کردن دام‌های اهلی نیز به دلیل برخی مشکلات (پرداخت خسارت فقط با ارایه پلاک که معمولاً پس از حمله گوشتخوار از بین می‌رود یا سوءاستفاده برخی افراد) کارساز نبوده و باعث بی‌اعتمادی مردم محلی به بیمه دولتی شده است.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و تجربیات جهانی، افزایش آگاهی و آموزش مردم محلی و پرداخت مستقیم خسارت به عنوان روش‌های انسان محور و ایجاد موانع فیزیکی، فنس الکتریکی و مدیریت زیستگاه (کاشت درختان مورد تغذیه خرس سیاه مانند کنار و احیاء نخلستان‌های

رها شده) به عنوان روش‌های گونه محور (خرس) برای کاهش تعارض انسان و خرس پیشنهاد شده است. همچنین افزایش آگاهی و آموزش مردم محلی، پرداخت مستقیم خسارت و اصلاح سیستم‌های دامداری به عنوان روش‌های انسان محور و مدیریت زیستگاه (افزایش جمعیت طعمه) به عنوان روش‌های گونه محور (پلنگ) برای کاهش تعارض انسان و پلنگ پیشنهاد شده است.

برای کاهش تعارض انسان و گوشتخواران در استان هرمزگان، که در حال حاضر بیشترین

هستیم ... که بمانند



تنوع حیات را در گوناگونی جلوه‌های طبیعی، جانداران، فرهنگ و اقوام می‌توان دید. این تنوع همیشه الهام‌بخش هنرمندان بوده است. هنر موسیقی تحت تاثیر تنوع طبیعی و اجتماعی در زمان و مکان شکل‌های گوناگون به خود گرفته و تاریخ شنیداری هر ملت را ساخته است. بخش‌هایی از موسیقی که در طول تاریخ ایران خلق شده امروزه در دست فراموشی است. این در حالی است که میراث شنیداری منعکس‌کننده فرهنگ ملت‌هاست و حفظ آن مسئولیتی بر دوش همه. همین شباهت در تنوع، قدمت، ارزش و در معرض انقراض بودن بین بخش‌هایی از هنر موسیقی ایران و تنوع زیستی کشور، نقطه‌ای مشترک بین نشر هرمس و موسسه حیات وحش میراث پارسیان شد. از تیرماه ۱۳۹۳ در کنار هم می‌کوشیم تا با به کارگیری منابع و امکانات هر طرف، مخاطبانمان را هر چه بیشتر با اهداف حفاظت از طبیعت و فرهنگ موسیقی کشور آشنا کنیم. امیدواریم این همکاری نه تنها به حفظ گنجینه‌های فرهنگی و طبیعی بینجامد که روزی خود بستری برای خلق آثار مشترک شود.

مشارکت موسسه حیات وحش میراث پارسیان در برنامه روز ملی یوزپلنگ آسیایی

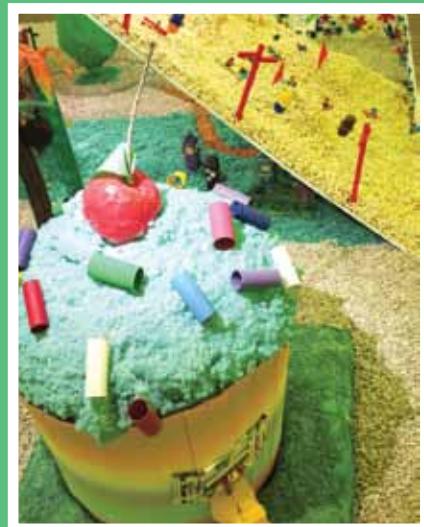
روز یکشنبه ۹ شهریور ۱۳۹۳ روز ملی یوزپلنگ آسیایی بود. به مناسبت این روز مراسمی برای نکوداشت محیط‌بانان برجسته و فعالان پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی به میزبانی برنامه عمران سازمان ملل متحد UNDP، سازمان حفاظت محیط زیست و پروژه بین‌المللی حفاظت از یوزپلنگ آسیایی CACP برگزار شد. بانک اقتصاد نوین، پارکر، آموزشگاه آزاد هنرهای تجسمی ویژه، موسسه حیات وحش میراث پارسیان و شرکت خدمات مسافرت هوایی سپهر پرواز حامیان این برنامه بودند.

در طول برنامه، پس از نمایش کلیپ تنوع زیستی ساخته مانی میرصادقی و کلیپ یوزپلنگ آسیایی ساخته گروه نیلوفر آبی، دکتر معصومه ابتکار، معاونت محترم ریاست جمهوری و رییس سازمان حفاظت محیط زیست، و آقای گری لوییس، هماهنگ‌کننده‌ی مقیم سازمان ملل متحد و نماینده مقیم برنامه توسعه ملل متحد، از ضرورت حفاظت این گونه در خطر انقراض سخن گفتند.

در ادامه، از ۵ نفر از محیط‌بانان برجسته زیستگاه‌های یوزپلنگ آسیایی تقدیر به عمل آمد و فیلم کوتاهی که درباره هر یک از آنان پخش شد. این محیط‌بانان عبارتند از: علی اکبر قربانلو (ذخیره‌گاه زیست‌کره توران)، اسدالله حاتمی (پناهگاه حیات‌وحش نایبندان طیس)، مرتضی عزیزی (پارک ملی سیاه‌کوه اردکان)، سید جلال موسوی (منطقه حفاظت شده کوه بافق) و حسین هراتی (پناهگاه حیات‌وحش میانداشت).

در این مراسم از دکتر بهرام حسن‌زاده کیایی (دانشگاه شهید بهشتی) و دکتر ایران‌نژاد پاریزی (دانشگاه یزد) به عنوان افراد برجسته در این حوزه و نیز انجمن یوزپلنگ آسیایی و کانون هم‌اندیشان سبزگستر طیس، به عنوان انجمن‌های فعال، نیز قدردانی شد. در پایان، آقای مانی رهنما (پیانیست و خواننده) با اجرای قطعات موسیقی به گرمای محفل افزودند.

تقدیر از محیط‌بانان، عکس از سازمان حفاظت محیط زیست



بازی یافت؛ بازی‌های بازیافتی

در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۹۳ گالری محسن، میزبان هنرمندان خردسالی بود که به کمک معلم و نماینده‌گاه‌گردان خود، طلا پرپها، شهر آرمانی خود را با زباله‌های خانه‌هایشان به تصویر کشیده بودند. نام پروژه‌ی آن‌ها "بازی یافت" بود که فرآیند شکل‌گیری آن یک سال طول کشید و با کمک مدیر پروژه، امین دوابی، نمایش آن میسر شد. هدف بازی یافت آموزش کاهش زباله از مبدا و مصرف کمتر بود. هم‌زمان در مسیر کار و آموزش بچه‌ها، فیلم مستندی با همین نام، به کارگردانی "رضا توفیق‌جو" در حال ساخت بود که نسخه کوتاهی از آن در گالری هرروزه نمایش داده می‌شد. نمایشگاه یک هفته در گالری محسن ادامه داشت و هر شب از رخدادی مربوط به محیط‌زیست میزبانی می‌کرد. آقای "گری لوییس"، هماهنگ‌کننده‌ی مقیم سازمان ملل متحد و نماینده‌ی مقیم برنامه توسعه ملل متحد، اولین مهمان بازی یافت بود که از دغدغه‌اش درباره‌ی محیط‌زیست ایران گفت و مکالمه‌ی دوستانه و صمیمی‌ای را با هنرمندان کوچک پروژه داشت. در شب‌های دیگر آربین غوثی از رابطه‌ی کودک و محیط زیست گفت، و "سارا کمالوند" نگرانی‌هایش از به هدر رفتن آب‌های زیرزمینی تهران را بیان کرد. آخرین مهمان "گروه نفس" بود که میزگردی در زمینه‌ی آلودگی‌های هوای تهران برگزار کرد.

بچه‌ها شهری ساخته بودند از بطری و جعبه‌های خالی و روزنامه‌ی باطله، که وسعتش تخیل کودکان بود و مخاطبش تولیدکنندگان زباله. به قول "سهراب مهدوی" مشاور پروژه، "کودکان مصرف عجولانه‌ی ما را به تولید بازیگوشانه‌ی خود بدل کردند."

شیرینی درست شده از زباله‌های بازیافتی. عکس از طلا پرپها

خبرنامه موسسه حیات وحش میراث پارسیان / بهار و تابستان ۱۳۹۳